سرآمد اقتصاد
چهارشنبه-۷مرداد ۱۴۰۵-سال دوازدهم-شماره ۲۵۴۷

«سرآمد» بررسی می کند؛

از نعمت خام تا نقمت خام فروشی

واکاوی معمای توسعه نیافتگی در اقتصادهای وابسته به منابع

گروه نفت و انرژی - امید ایرانی - در پس هر قطره نفت که از دل زمین به سطح می آید، در پشت هر تن سنگ آهن که از معدن به کارخانه می رود و در دل هر بافت پنبه که از مزرعه به بازار راه می یابد، یک انتخاب سرنوشت ساز نهفته است که می تواند مسیر توسعه و عقب ماندگی یک ملت را برای نسل ها رقم بزند. این انتخاب خاموش، که گاه در هیاهوی آمارهای تولید و صادرات گم می شود، چیزی نیست جز تصمیم درباره سرنوشت مواد اولیه. آیا یک کشور باید داشته های خدادادی خود را به همان شکل خام و فرآوری نشده به دیگران بفروشد و در ازای آن، ثروتی زود گذر اما ناپایدار به دست آورد، یا باید با پردازش این مواهب، ارزشی افزوده خلق کند و زنجیره ای از اشتغال، دانش و قدرت را برای آیندگان بسازد؟ این پرسش بنیادین، هسته اصلی معمای خام فروشی را شکل می دهد؛ معمایی که نه تنها ذهن اقتصاددانان توسعه را به خود مشغول داشته، بلکه سرنوشت میلیون ها انسان را در کشورهای غنی از منابع تحت الشعاع قرار داده است.

خام فروشی را می توان به مثابه یک بیماری هلندی مدرن توصیف کرد که با ظاهری فریبنده، اقتصادهای نو ظهور را به دام وابستگی و رکود ساختاری می کشاند. این پدیده، صرفاً به معنای فروش مواد خام به بازارهای جهانی نیست، بلکه به یک الگوی زیستی، سیاسی و حتی روان شناختی در میان نخبگان اقتصادی تبدیل شده که در آن، اتکا به درآمدهای نفتی و معدنی، هر گونه انگیزه برای نوسازی بخش های مولد و دانش بنیان را از بین می برد. برای درک عمیق تر این معضل، باید فراتر از آمارهای لحظه ای صادرات نگاه کرد و به لایه های پنهان آن یعنی نهادهای ناکارآمد، ساختارهای رانتی و فرهنگ آنی طلبی که در سایه درآمدهای باد آورده شکل می گیرد، توجه نمود. از این رو، نه تنها اقتصاد، بلکه جامعه شناسی سیاسی و روان شناسی تاریخی نیز در تبیین این پدیده نقش آفرین هستند، چرا که خام فروشی، بیش از آن که یک استراتژی آگاهانه باشد، غالباً یک واکنش غریزی به وفور نعمت و فقدان چشم انداز راهبردی محسوب می شود.

با نگاهی به جدول تاریخی توسعه، به راحتی می توان دریافت که هیچ یک از اقتصادهای پیشروی امروز جهان، مسیر ترقی خود را با تکیه بر فروش مواد اولیه طی نکرده اند. آلمان، ژاپن، کره جنوبی و حتی ایالات متحده، علیرغم برخورداری از منابع طبیعی قابل توجه، هرگز اجازه ندادند که صادرات خام به ستون فقرات اقتصادیشان بدل شود. بلکه با سرمایه گذاری هدفمند در آموزش نیروی کار، تحقیق و توسعه و ایجاد صنایع پایین دستی، موفق شدند ارزشی چندین برابر از هر واحد ماده خام استخراج کنند. در مقابل، کشورهایی همچون نیجریه، ونزوئلا و جمهوری دموکراتیک کنگو، با وجود ثروت های عظیم زیر زمینی، همچنان درگیر فقر مزمن، نابرابری فزاینده و بی ثباتی سیاسی اند، چرا که اقتصاد آنها به جای تکیه بر مغز انسان، بر پشت زمین و زیر پای آن استوار شده است. این تضاد تاریخی، به خوبی نشان می دهد که خام فروشی نه یک راه کوتاه برای ثروت، بلکه یک تله بزرگ برای توسعه است؛ تله هایی که هر چه بیشتر در آن فرو می رویم، خروج از آن دشوارتر و هزینه برتر می شود.

اما معمای خام فروشی فراتر از یک انتخاب ساده میان فروش نفت خام یا بنزین است. این پدیده، ریشه در یک زنجیره کامل از ضعف های نهادی دارد که در رأس آن، ساختار مالکیت منابع و نظام توزیع درآمد قرار می گیرد. در بسیاری از کشورهای صادر کننده مواد خام، درآمدهای ارزی حاصل از فروش منابع، به جای آن که به صندوقی برای سرمایه گذاری مولد تبدیل شود، در حساب های دولتی کوتاه مدت جمع می شود و صرف واردات کالاهای مصرفی لوکس، تأمین یارانه های عظیم و یا حتی پروژه های عمرانی فاقد توجیه اقتصادی می گردد. این رفتار، نه تنها موجب افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید داخلی از طریق اثر مالی موسوم به بیماری هلندی می شود، بلکه زمینه ساز ظهور یک طبقه واسطه گر رانتی می گردد که منافع خود را در تداوم این وضعیت نابسامان می بینند. در چنین فضایی، هر گونه تلاش برای تغییر الگوی صادرات و حرکت به سمت صنایع تبدیلی، با مقاومت شدید گروه های ذی نفع مواجه خواهد شد، زیرا آنها به خوبی می دانند که شفافیت ناشی از فرآوری داخلی، بساط رانت و انحصار را برچیده و نظارت عمومی بر جریان ثروت را ممکن می سازد.

از سوی دیگر، باید اذعان کرد که خام فروشی، یک رفتار منفعلانه و ناگزیر در مرحله ای خاص از توسعه نیست، بلکه بسیاری از کشورها با هوشمندی، از همین منابع خام به عنوان اهرمی برای جهش صنعتی خود استفاده کرده اند. برای نمونه، می توان از تجربه نروژ در مدیریت ثروت نفتی یاد کرد که نه با فروش خام نفت، بلکه با ایجاد صندوق ثروت ملی و سرمایه گذاری عظیم در فناوری های نوین و آموزش، توانست آینده ای پایدار برای نسل های بعدی تضمین نماید. یا تجربه مالزی که با توسعه صنایع پایین دستی نخل روغنی و لاستیک، سهم خود را از زنجیره ارزش جهانی به طرز چشم گیری افزایش داد. این نمونه ها نشان می دهند که راه رهایی از دام خام فروشی، نه در دسترسی به منابع بیشتر، بلکه در اراده سیاسی، برنامه ریزی بلند مدت و ایستادگی در برابر وسوسه های سوداگرانه است. بنابراین، مسئله اصلی را نباید در وفور یا کمیابی منابع جست و جو کرد، بلکه در کیفیت نهادها، کارآمدی دولت و سطح سرمایه انسانی هر کشور نهفته است؛ عواملی که تعیین می کنند یک کشور، منابع خود را به نعمتی پایدار تبدیل کند یا به نقمتی فاجعه بار مبدل سازد.

ریشه‌شناسی این معضل در اقتصاد سیاسی ایران نیز نشان می دهد که الگوی خام فروشی، از دیر باز به مثابه یک گفتمان مسلط، بر ذهنیت سیاست گذاران سایه افکنده و هر گاه که صدای مخالفان این رویه بلند شده، با استدلال هایی نظیر مزیت نسبی و نیاز به ارز فوری به حاشیه رانده شده اند. اما شواهد تاریخی حاکی از آن است که تا زمانی که صادرات خام، منبع اصلی درآمدهای دولتی باشد، هیچ انگیزه ای برای بهبود فضای کسب و کار، ارتقای استانداردهای تولید و ورود به بازارهای پیچیده جهانی وجود نخواهد داشت. این چرخه معیوب، علاوه بر تخریب منابع طبیعی و محیط زیست، به تدریج مغزهای متفکر و کارآفرینان خلاق را از کشور فراری می دهد و سرمایه های انسانی گرانبها را به سوی کشورهایی می گسلاند که برای ارزش آفرینی انسانی، احترام بیشتری قائل اند. بدین ترتیب، خام فروشی نه فقط یک مانع اقتصادی، بلکه یک مانع معرفت شناختی بر سر راه توسعه است که تفکر خلاق و نوآوری را در نطفه خفه می کند و جامعه ای را به موجودی منفعل و وابسته بدل می سازد.

برای خروج از این وضعیت، ناچار به تحول بنیادین در لایه های مختلف سیاست گذاری و اجرا هستیم. گام نخست، ایجاد نظام مالیاتی کارآمد و شفاف است که سود حاصل از فعالیت های استخراجی را به سمت سرمایه گذاری مولد هدایت کند و از انباشت ثروت در دستان عده ای خاص جلوگیری نماید. گام دوم، بازنگری اساسی در نظام آموزش عالی و فنی حرفه ای است تا نیروی انسانی مورد نیاز صنایع تبدیلی و دانش بنیان را تربیت کند و به جای پرورش متقاضیان مشاغل دولتی، کارآفرینانی پویا و آشنا با فناوری های روز تحویل جامعه دهد. گام سوم، که شاید از همه حیاتی تر باشد، اصلاح ساختار سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش فرآوری است، به گونه ای که شرکت های چند ملیتی به جای خرید خام ارزان قیمت، ترغیب شوند که با مشارکت در کارخانه های پایین دستی، دانش فنی و شبکه های توزیع جهانی را به کشور منتقل کنند. این سه گانه، یعنی مالیات هوشمند، آموزش هدفمند و سرمایه گذاری خارجی راهبردی، مثلثی را تشکیل می دهند که می تواند گرایش طبیعی اقتصادها به سمت خام فروشی را معکوس کرده و آنها را در مسیر یک توسعه تدریجی اما پایدار قرار دهد.

با این همه، نباید از یاد برد که گذار از خام فروشی، یک پروژه خطی و کوتاه مدت نیست، بلکه یک فرایند تدریجی، چند وجهی و سرشار از چالش های سیاسی و اجتماعی است. در این میان، نقش رسانه ها و نهادهای مدنی در آگاهی بخشی به افکار عمومی و ایجاد اجماع ملی برای حمایت از صنایع داخلی و مصرف کالاهای بومی، نقشی بی بدیل و تعیین کننده است. تا زمانی که جامعه، خام فروشی را یک هویت ملی یا ضرورت تاریخی تلقی کند، هر گونه تلاش اصلاحی با شکست مواجه خواهد شد؛ اما وقتی ذهنیت عمومی درک کند که هر بشکه نفت فرآوری نشده، به منزله یک فرصت از دست رفته برای اشتغال صدها جوان تحصیل کرده است، آن گاه فشار اجتماعی برای تغییر، چنان گسترده و قاطع خواهد بود که هیچ گروه ذی نفعی نمی تواند در مقابل آن بایستد. بنابراین، جنگ با خام فروشی، پیش از آن که یک نبرد اقتصادی باشد، یک نبرد فرهنگی برای تغییر روایت غالب از ارزش ثروت به ارزش کار و دانش است؛ نبردی که برنده آن، نسلی خواهد بود که به جای تکیه بر زیر پای خود، بر قدرت تفکر و خلاقیت خویش تکیه می زند.

در پایان، باید این پرسش اساسی را از خود بپرسیم که آیا یک کشور غنی از منابع، محکوم به تسلیم در برابر خام فروشی است یا می تواند با تکیه بر اراده جمعی و برنامه ریزی هوشمندانه، از این هزار توی توسعه گریز عبور کند؟ پاسخ، به گواه تجربیات تاریخی و تحلیل های اقتصادی، مثبت و امیدوار کننده است. هیچ قانون طبیعی یا جبر تاریخی، ملت ها را به ماندن در مرحله استخراج و فروش خام محکوم نمی کند؛ بلکه این فقدان اراده، نبود شفافیت و ضعف نهادهاست که این وضعیت را تداوم می بخشد. امروز، در جهانی که اقتصاد دانش محور و نوآوری، مرزهای جدید قدرت و ثروت را تعریف می کند، خام فروشی نه یک استراتژی عقب مانده، بلکه یک خودکشی اقتصادی تدریجی محسوب می شود. اگر می خواهیم فردای بهتری برای فرزندان این سرزمین بسازیم، چاره ای جز این نداریم که دست بر قلم بیاوریم، صورت مسئله را صادقانه باز تعریف کنیم و با شجاعت، از ارزش افزوده، کیفیت و دانش به عنوان سلاح های نوین توسعه استفاده نماییم. انتخاب با ماست: یا در چرخه خام فروشی، اسیر نوسانات قیمت جهانی و زوال تدریجی منابع می مانیم، یا با تحمل سختی های اولیه صنعتی سازی، پای در مسیری می گذاریم که هر چند دشوار و پر پیچ و خم است، اما به قله های رفیع پیشرفت و استقلال واقعی منتهی می شود. پایان این مسیر، نه در کشف یک میدان جدید نفتی، بلکه در خلق یک نسل جدید از انسان های آگاه، خلاق و مسئولیت پذیر ترسیم می شود که به جای فروش خاک وطن، به فکر آباد کردن آن از طریق اندیشه و کار خالصانه هستند. بیایید از همین امروز، روایت خام فروشی را به تاریخ بسپاریم و روایت تازه ای را بنویسیم که در آن، هر ایرانی به اندازه سهمی که در تولید یک محصول با کیفیت و دانش بنیان دارد، از ثروت ملی بهره مند شود. این، همان آرزوی دیرینه توسعه است که تنها با عبور از بن بست خام فروشی به حقیقت خواهد پیوست.

نگاه

صرفه‌جویی سالانه ۹۸۰ میلیون مترمکعب گاز با اجرای پروژه شرکت‌های کارور

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران از برآورد صرفه‌جویی سالیانه ۹۸۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی با اجرای پروژه شرکت‌های کارور خبر داد.

به گزارش اقتصاد سرآمد، سعید توکلی در نشست بررسی چالش‌های اجرایی شرکت‌های کارور دارای قرارداد نوع ۲ که از طریق ویدئوکنفرانس برگزار شد، بیان کرد: توسعه همکاری با بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت شرکت‌های کارور، فرصت مناسبی برای مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی و شتاب‌بخشی به اجرای طرح‌های کاهش مصرف در کشور فراهم کرده است.

وی ادامه داد: شرکت‌های کارور ظرفیت قابل توجهی برای مدیریت، بهینه‌سازی و کنترل مصرف انرژی در کشور ایجاد کرده‌اند و باید از این ظرفیت برای تحقق اهداف بهینه‌سازی مصرف گاز طبیعی استفاده کرد.

معاون وزیر نفت در امور گاز با اشاره به اقدام‌های انجام‌شده برای توسعه فعالیت شرکت‌های کارور، افزود: تاکنون ۸۵ شرکت متقاضی موفق به دریافت اعتبار موقت فعالیت کاروری گاز شده‌اند که این اقدام، گامی مهم در مسیر توسعه فعالیت شرکت‌های کارور در حوزه بهینه‌سازی مصرف گاز طبیعی و تسریع در اجرای طرح‌های کاهش مصرف در بخش‌های مختلف به شمار می‌رود.

به گفته توکلی، اکنون ۸۸ قرارداد میان شرکت‌های گاز استانی و شرکت‌های کارور در ۲۹ استان کشور امضا شده و با توجه به استقبال بخش خصوصی، روند امضای قراردادها همچنان در حال افزایش است.

وی با تأکید بر اینکه توسعه همکاری با شرکت‌های کارور و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی، یکی از رویکردهای مهم شرکت ملی گاز ایران در اجرای سیاست‌های بهینه‌سازی مصرف است، گفت: این همکاری‌ها می‌تواند به اجرای هدفمند طرح‌های مدیریت مصرف و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود در بخش‌های مختلف منجر شود.

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با اشاره به ظرفیت قابل توجه پروژه‌های در دست اجرا، تصریح کرد: براساس برآوردهای انجام‌شده، در صورت اجرای پروژه‌های پیش‌بینی‌شده از سوی شرکت‌های کارور، تا پایان امسال حدود ۹۸۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی صرفه‌جویی می‌شود که می‌تواند نقش مؤثری در مدیریت مصرف و کمک به پایداری شبکه گاز کشور داشته باشد.

توکلی با تأکید بر ضرورت همکاری همه بخش‌های صنعت گاز بیان کرد: همه دغدغه‌مندیم و تفاوتی بین ما وجود ندارد؛ انتظار این است که با همکاری و پذیرش مسئولیت‌ها، اجازه دهیم دستگاه متولی کار خود را انجام دهد.

مردم سهام‌دار نیروگاه‌های تجدیدپذیر می‌شوند

معاون وزیر نیرو با اعلام آمادگی برای عرضه سهام نیروگاه‌های تجدیدپذیر در بورس انرژی، از فرصتی جدید برای مشارکت مردم و اشخاص حقوقی در سودآوری این پروژه‌ها خبر داد؛ طرحی که در گام نخست با عرضه ۲۵۰ مگاوات نیروگاه آماده اتصال به شبکه آغاز خواهد شد.

به گزارش اقتصادسرآمد، محسن طرزطلب در جمع خبرنگاران با اشاره به آخرین وضعیت پروژه‌های خورشیدی و بادی کشور اعلام‌کرد: از ظرفیت ۵۰۰ مگاواتی نخستین صندوق پروژه بزرگ خورشیدی، اکنون ۲۵۰ مگاوات امکان اتصال به شبکه را دارد و برخی نیروگاه‌ها نیز بالفعل به شبکه متصل شده‌اند.

وی افزود: برنامه ساتبا این است که سهام این نیروگاه‌ها با هماهنگی بورس انرژی در بازار عرضه شود تا هم مردم عادی و هم اشخاص حقوقی بتوانند سهام‌دار پروژه‌های تجدیدپذیر شوند و از منافع برق تولیدی این نیروگاه‌ها بهره ببرند.

طرزطلب با بیان اینکه قیمت تمام‌شده این پروژه‌ها مناسب برآورد شده است، اظهار داشت: در مرحله نخست قصد داریم بخشی از این سهام را عرضه کنیم و در صورت موفقیت، این روند ادامه خواهد یافت. هدف آن است که منابع مردمی جذب شود و توسعه پروژه‌های تجدیدپذیر با اتکا به بازار سرمایه سرعت بگیرد.

جدول ۵۷۴

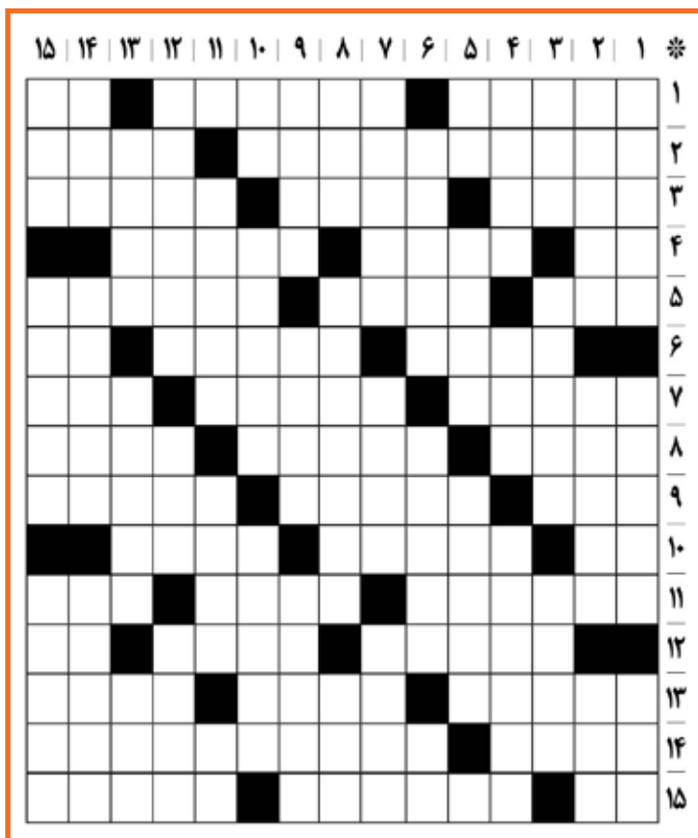

افقی:
۱- نرم‌افزار نقشه‌کشی - جداشدن - محصول آب و صابون
۲- نویسنده ایرانی رمان عاشقانه روبای نیمه‌شب - دورنگ
۳- باده‌گسار - نام تجاری - جرقه آتش
۴- سودای ناله - محل آموزش سب‌سواری - اقامت موقت در سفر
۵- قطعه کوچکی از زمین زراعی - خنده‌آور - خطابی در هندبال
۶- تلاشگر - فرزند نتیجه - تعطیلی
۷- از جنس چوب - سازمان صید و فروش ماهی - واحد شمارش لباس
۸- راغب و خواهان - نوعی تفنگ شکاری - از القاب حضرت فاطمه(س)
۹- مخفف دیگر - نخ بافتنی - همشیره
۱۰- حرف ندا - آزمون ورودی دانشگاه - غایب نیست
۱۱- پدر سام در شاهنامه - پودر دستگاه پرینتر - خاستگاه ورزش شطرنج
۱۲- له شده - برقرار - طرف
۱۳- پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌ها - صمیمی - بلند و رفیع
۱۴- زبانه آتش - ارگان دائمی حافظ صلح وابسته به سازمان ملل متحد
۱۵- دشمن سرسخت - تابلوی مشهور لئوناردو داوینچی - دکان شیرینی‌پزی

عمودی:
۱- خودداری کردن - مجموعه داستانی از بزرگ علوی - دو طرف بدنه اصلی هواپیما
۲- خودنمایی - سرایت بیماری - فرزند عرب
۳- سازگاری - الله‌اکبر گفتن - شب چله
۴- بخشنده - چاه جهنم - غذای محلی سبزوار
۵- دست شکسته! - ژانری در سینما - سخن آمیخته به ریشخند
۶- سراب - یاقوت - حس بویایی
۷- حساسیت - پرخور - فیلمی ساخته رسول ملاقلی‌پور
۸- برکت سفره - رمانی به قلم سر والتر اسکات - سست و بی‌حال
۹- روز بعد - آشوب، غوغا - مجبور
۱۰- چه‌کسی - رشته‌ای در مسابقات موتورسواری - از مذاهب اهل سنت
۱۱- فتنه‌انگیزی - نوعی سنگ آذرین - سفید آذری
۱۲- مبلغی که در قبال کار مشخصی به کارمند تعلق می‌گیرد - آبگیر مصنوعی روباز - خصم
۱۳- پاینده - پرگار - مادر آذربایجانی
۱۴- از ۲ عنصر تشکیل دهنده نمک طعام - ناخالص - مأیوس
۱۵- علم احکام - سخن، کلام - طرحی برای فرش دستباف ایرانی

حل جدول شماره ۵۷۳

آگهی فقدان سند مالکیت

به اطلاع می رساند خانم مهناز حسینی به ارائه وکالت نامه شماره ۱۹۸۸۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۲ دفترخانه ۶۰ سنندج و تفویض وکالت شماره ۲۴۵۵۴ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۶ از آقای یداله فتحی مالک ششدانگ پلاک ثبتی ۳ فرعی از ۱۶۴۶-اصلی بخش ۳ سنندج (آپارتمان مسکونی به مساحت ۹۱.۲۵ متر مربع واقع در سنندج، چهار باغ، خیابان طالقانی، کوچه داریوش، پلاک ۳۸، طبقه دوم) با تقدیم یک برگ استشهادیه که به تایید دفتر اسناد رسمی شماره ۳۴ سنندج رسیده، مدعی است که سند مالکیت شش دانگ پلاک مرقوم را به شماره سریال ۴۹۹۹۳۷ سری الف ۹۶ و دفتر املاک الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۳۲۰۰۱۰۰۰۹۴۴ که به نام خانم شمسی مجیدی صادر و تسلیم و برابر سند قطعی ۱۹۸۷۸ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲ دفترخانه ۶۰ سنندج به یداله فتحی منتقل گردیده و برابر سند ۱۹۸۷۸ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲ دفترخانه ۶۰ سنندج در رهن بانک رفاه کارگران قرار گرفته به دلیل سهل انگاری مفقود نموده و از این اداره تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۸۰ در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس مدعی انجام معامله و یا وجود سند فوق نزد خود است از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این اداره مراجعه و با ارائه اصل سند و یا خلاصه معامله نسبت به اعتراض به صدور سند المثنی اقدام نماید. در غیر اینصورت برابر مقررات سند مالکیت المثنی صادر و تسلیم خواهد شد.

اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک سنندج

م الف ۱۰۴۲۳

مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت گسترش سازه حمید به شماره ثبت ۱۰۳۴۵۴ جهت شرکت در مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده درروز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ ساعت ۱۰ صبح در محل قانونی شرکت واقع در خیابان شریعتی- پایین تر از حسینیه ارشاد- دشتستان دوم- پلاک ۱۶- طبقه اول دعوت بعمل می آید.

۱- ارائه گزارش عملکرد مالی شرکت توسط هیئت مدیره
۲- تعیین تکلیف و تصمیم گیری در مورد فروش و نحوه فروش املاک شرکت
۳- تصویب تراز سال مالی ۱۴۰۴

دعوت کننده
هیئت مدیره شرکت گسترش سازه حمید